

فصل اول	قلب استوار و قلب نگران
فصل دوم	هفت مکاشفه مهم که هر ایمانداری باید آنها را بداند
فصل سوم	استوار کردن قلب تان از طریق تفکر در کلام خدا
فصل چهارم	روی کلام خدا ایستادن

فصل اول قلب استوار و قلب نگران

هللویا! خوشا بحال کسی که از خداوند می ترسد و در وصایای او بسیار رغبت دارد. ذریتش در زمین زورآور خواهند بود. طبقه راستان مبارک خواهند شد. توانگری و دولت در خانه او خواهد بود و عدالتش تا به ابد پایدار است. نور برای راستان در تاریکی طلوع می کند. او کریم و عادل است. فرخنده است شخصی که رئوف و قرض دهنده باشد. او کارهای خود را به انصاف استوار می دارد. زیرا که تا به ابد جنبش نخواهد خورد. مرد عادل تا به ابد مذکور خواهد بود. از خیر بد نخواهد ترسید. دل او پایدار است و برخداوند توکل دارد. دل او استوار است و نخواهد ترسید تا آرزوی خویش را بر دشمنان خود ببیند. (کتاب مزامیر فصل ۱۱۲ آیات ۱ تا ۸)

آیاتی که ما بطور مخصوصی می خواهیم در مطالعه این کتاب از آنها استفاده کنیم در آیات شماره ۷ و ۸ یافت می شوند. بیائید دوباره به این آیات نگاهی بیندازیم. من می خواهم اینجا با دقت بیشتری توجه کنید که مزامیر چه می گوید. از خیرهای بد نخواهد ترسید: دل او پایدار است و بر خداوند توکل دارد. دل او استوار است و نخواهد ترسید تا آرزوی خویش را بر دشمنان خود ببیند.

مزامیر فصل ۱۱۲ شخصی را توصیف می کند که دلش در کلام خدا استوار است. او از خیرهای بد نمی ترسد. او با شواهد ضد و نقیض جنبش و لغزش نمی یابد و با فشارها و سختی های این دنیا جنبش نمی خورد. قلبش استوار است و به خدا اعتماد دارد.

امروزه در زمانی زندگی می کنیم که پر است از مواقعی که ما نگران و آشفته می شویم، می ترسیم و یا به سادگی با خیرهای بد قلبمان می لرزد. خبرهای رادیویی و تلویزیونی نیز همچنان از این مسائل پر است. تو می توانی به نگرانی ها و مشکلات این دنیا نگاه کنی و یا به خبرهای بد گوش کنی و راجع به آنها با افراد دیگر صحبت کنی؛ اما توجه داشته باش که تو با این کار فقط کار شیطان را بزرگتر جلوه می دهی و او را جلال می بخشی.

کتاب مقدس می گوید: جایی که گناه زیاد گشت، فیض بی نهایت افزون گردید (کتاب رومیان فصل ۵ آیه ۲۰)
امروزه، ما در موقعیت عالی هستیم.

تو باید یک حقیقت بسیار مهم را درک کنی که: شخص ایماندار امروزه می تواند در میان تمام مشکلات و فشارهای این دنیا زندگی کند بدون اینکه بلرزد. تو می توانی با قلبی استوار در خداوند زندگی کنی و بر خداوند توکل نمایی و نترسی از هر چیزی که شیطان می خواهد بر زمین کرده شود.

آیه ششم کتاب مزامیر در فصل ۱۱۲ می گوید، زیرا که تا به ابد جنبش نخواهد خورد. آیا در مدت شش ماه گذشته زندگی مسیحانه ات این اعتراف تو بوده است؟ آیه ۷ می گوید، او از خبرهای بد نخواهد ترسید. آیا می توانی اعلام

نمائی در طی شش ماه گذشته زندگی مسیحانه ات از خبرهای بد ترسیده ای؟ اگر تو نمی توانی چنین اعلامی کنی، پس نشان می دهد که دلت در خداوند استوار نیست. اگر تو با اتفاقاتی که در دنیا می افتد نگران می شوی، اگر تو می ترسی و یا قلبت می لرزد و یا نسبت به موقعیت کنونی دنیا بی ثبات و ناپایدار هستی پس مطمئن باش که دلت در خداوند استوار نیست. من با اشاره کردن به این نکته منظورم این نبود که تو را محکوم کنم. قصد و منظورم این است که فکرهای تو را تصحیح کنم و این مسائل را به توجه تو آورم تا بتوانی در موردش کاری انجام دهی.

اگر تو می خواهی مثل شخصی که در کتاب مزامیر فصل ۱۱۲ توصیف کرده شد باشی، پس تو باید به مرحله ای برسی که با هیچ چیز لغزش نخوری. نه با چیزهایی که می شنوی و نه با چیزهایی که می بینی و یا احساس می کنی. دل استوار در کلام زنده خداوند ساکن شده و بر آن توکل دارد. دل استوار و محکم می داند که در هر شرایطی فقط حضور خدا کافی است و خدا احتیاجات او را برآورده خواهد کرد بر حسب دولت خویش در جلال عیسی مسیح. من متقاعد هستم که این قصد و هدف خدای پدر است برای هر شخص ایمانداری.

قلب استوار به خدا توکل دارد و به او اعتماد می کند. اگر تو می خواهی به خدا اعتماد داشته باشی پس باید به کلام او نیز اعتماد کنی زیرا که خدا و کلام او هر دو یکی هستند. به غیر از کلام خدا راه دیگری نیست که تو بتوانی قلبت را بوسیله آن استوار و پابرجا کنی. فقط نیاز به کلام خدا است که کار را به اتمام می رساند.

ما خوانده ایم که نویسنده کتاب مزامیر در مورد قلب استوار چه می گوید. حال ببینیم عیسی چه تعلیمی داده در کتاب متی فصل ۲۴، عیسی به شاگردانش در مورد نشانه های بازگشتش و آخر دنیا تعلیم می دهد. من باید تو را نسبت به موضوعی آگاه کنم و آن این است که این آیات را با دیدگاه مذهب نخوان. چرا که اگر این کار را کنی چیزی که روح خدا به عیسی دستور می دهد را از دست می دهد و متوجه نمی شوی. اگر تو این آیات را با دید مذهب بخوانی فقط مشکلات و سختی های آن را خواهی دید و فکر می کنی که ما در این دنیا هستیم برای درسر کشیدن و نفرین شدن و در هلاکت و نابودی زندگی کردن. چیزهایی را که عیسی در اینجا به آنها اشاره می کند برای انسان ها تکان دهنده است. این صحبت ها کمی قلب را می ترساند. اگر چه، شما باید در نظر داشته باشید که عیسی همیشه در مورد خبرهای خوب صحبت می کند و نه بد. کتاب مقدس به ما می گوید که عیسی پایه گذار و تمام کننده ایمان است، نه ترس (کتاب عبرانیان فصل ۱۲ آیه ۲). در هر موعظه ای که عیسی صحبت می کرد مسح روح القدس بر او بود و برنامه ریزی شده بود برای آفریدن و دمیدن ایمان در مرکز قلب ها. حال ببینیم عیسی چه تعلیمی داد. در کتاب متی فصل ۲۴، می گوید که حتی در وسط بدترین حملات شیطان، ما نباید نگران و آشفتن شویم ما باید ماورای نیازمندی ها و سختی های این دنیا زندگی کنیم.

ما باید قلب هایمان استوار باشد، از مکاید شیطانی نترسیم؛ و ما باید در کارهای خدا پیشرفت و حرکت کنیم. توجه نمائید به کلام عیسی در کتاب متی فصل ۲۴ آیه ۴. شاگردان او از او سئوالی منطقی کردند: علامت فرا رسیدن آخر دنیا چیست؟

اولین پاسخش این بود: هشیار باشید تا کسی شما را گمراه نکند. چرا او چنین حرفی را اول زد؟ برای اینکه درک کرده بود در میان نشانه های بازگشت او و انقضای عالم، بسیاری موعظه وجود خواهد داشت که آنها از انجیل نیستند این وظیفه هر شخص ایمانداری است که تشخیص دهد فرق بین حقیقت انجیل و تعلیمات اشتباه را.

عطایای پنجگانه داده شده است تا کلام موعظه شود به منظور به کمال رسیدن مقدسین (که بدن مسیح می باشند) افسسیان فصل ۴ آیات ۱۱ - ۱۲. خادم خدا نمی تواند تو را به کمال رساند؛ تنها کاری که می تواند کند موعظه کردن کلام است. این به تو بستگی دارد و خواست شخصی خود ایماندار است که به آن حد کمال داده طرز عمل کرد تو نسبت به کلام، کمال را در زندگی ات خواهد آورد.

مسئله دیگری که می خواهم شما توجه کنید فصل ۲۴ آیه ۶ کتاب متی است. جنگ ها و اخبار جنگی را خواهید شنید، هشیار باشید که مظطرب و نگران نشوید....

عیسی لیستی تهیه کرده از مسائلی که باید قبل از بازگشتش اتفاق افتد - جنگ و خبرهای جنگ، قومی با قومی دیگر مقاومت می کند، قحطی ها، وباها و زلزله ها اتفاق می افتند. در میان تمام این اتفاقات عیسی جمله ای را بیان می کند: شما نگران و مضطرب نشوید. عیسی کلمات بیهوده نمی گفت. هر آنچه می گفت مسح خدا بر آن بود و روح القدس در آن دمیده شده بود. اگر او می گوید، شما نگران نباشید پس باید راهی برای ما وجود داشته باشد که در میان تمام این مشکلات زندگی کنیم و نگرانی هم نداشته باشیم. توجه کنید به آیه ۱۴. و به این ثبات ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد شد با بر جمیع امت ها شهادتی شود آنگاه آنها خواهد رسید. معنی لغت انجیل یعنی خبر خوش. عیسی می گوید که حتی در میان تمام خبرهای بد و زمانهای سخت یک نفر خواهد ایستاد و خبر خوش انجیل را اعلام خواهد کرد. خبر خوش در شرایط سخت چه چیزی می تواند باشد؟ آن خبر خوش این است که راهی برای بیرون رفتن از این شرایط سخت وجود دارد که خدا منشأ فراهم آوردن است، که او همه احتیاجات ما را رفع خواهد کرد بر حسب دولت خویش در جلال مسیح. شاهدان خبر خوش را موعظه خواهند کرد. وقتی خبر خوش انجیل را تا جائی که ممکن است موعظه کنیم آن وقت زمان آخر فرا می رسد.

در حال حاضر برای زندگی روی زمین تنها یک راه وجود دارد بدون اینکه بترسیم و یا بلغزیم. و آن راه این است که تو از کلام خدا پر شوی و استوار و پابرجا شوی و بر خدا اعتماد کنی تا هرگز لغزش نخوری. پولس رسول بهترین نمونه شخصی است که قلبش در خدا استوار بود. نوشته اش در فصل ۸ کتاب رومیان هر آنچه نویسنده مزامیر و عیسی گفته اند را تأیید می کند.

در رومیان فصل ۸ آیات ۳۱ - ۳۹ اعتراف یک ایماندار است که قلبش در کلام خدا استوار شده است. پولس زمانی که این را نوشت، شخصا از سختی ها و مشکلات بسیاری عبور کرده بود. چرا؟ زیرا مکاشفات فراوانی دریافت کرده بود. عیسی در فصل ۴ کتاب مرقس تعلیم داد که وقتی دانه کلام در قلب تو کاشته شد، شیطان فوراً می آید که آن را بیرون آورد. پولس برای شیطان خطرناک بود چون پولس از مکاشفه عهد جدید که عیسی به او داده بود پر بود. شیطان از هر راهی سعی می کرد پولس را در کارش متوقف کند ولی پولس رسول تسلیم نشد؛ او محکم ایستاد! او ثابت کرد که آن مکاشفات موثر خواهند بود. او ثابت کرد که اقتدار ایماندار در پوشیدن زره خداست، گرفتن سپر ایمان و خاموش کردن تمام تیرهای آتشین شریر است! پولس رسول در طول زندگی اش بیشتر از حد معمول مصیبت و بلا بر او آمد ولی هنوز می نویسد، چه کسی است که می تواند ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ آیا مصیبت یا دلتنگی یا جفا یا عریانی یا خطر یا شیشه؟ بلکه در همه این موارد از حد زیاده نصرت یافتیم، بوسیله او که ما را محبت نمود، زیرا که من یقین دارم که نه موت و نه حیات و نه فرشتگان و نه رؤسا و نه قدرتها و نه چیزهای حال و نه چیزهای آینده و نه بلندی و نه پستی و نه هیچ مخلوق دیگر قدرت خواهد داشت که ما را از محبت خدا در خداوند ما مسیح عیسی است جدا سازد (رومیان فصل ۸ آیات ۳۵ ، ۳۷ - ۳۹).

ببینید پولس رسول در مورد عهد جدید چه یاد گرفت، و تو نیز می توانی در میان مکرهای شیطان، مریضی ها و حتی مرگ بایستی. من یقین دارم که هیچ چیز نمی تواند من را از محبت مسیح جدا سازد! من از یک مبارز و فتح کننده نیز بیشتر پیروزی دارم!

عیسی در مورد قلب استوار توضیح واضحی می دهد. در متی فصل ۷ آیه ۲۴ تا ۲۷ ، او در مورد دو شخص که کلام خدا را شنیدند توضیح می دهد. شخص اول کلام را شنید و طبق آن عمل کرد. او در کلام استوار بود. عیسی گفت، او را به مردی دانا تشبیه می کنم که خانه خود را بر روی صخره ساخت. صخره، کلام خدا است. این مرد خانه اش را ساخت و زیر بنای ساختمان را روی صخره کلام بنا کرد. عیسی گفت که وقتی سیل آمد، خانه آن مرد نمی لرزد و خراب هم نخواهد شد. چرا؟ زیرا بنای آن کلام بود و تو نمی توانی شخصی را که قلبش در کلام خدا استوار شده است بلرزانی.

مرد دوم را که عیسی می خواهد در موردش توضیح دهد او نیز کلام خدا را شنید، اما طبق آن عمل نکرد. عیسی او را به مردی نادان تشبیه می کند که خانه خود را بر روی شن ساخت. لوقا چنین می گوید، کسی که کلام را می شنود ولی عمل نمی کند همانند شخصی است که خانه اش را بدون پایه و اساس روی زمین بنا می کند. شخصی که فقط شنونده کلام است پایه و اساسی ندارد. اگر از یک ساختمان ساز سوال کنید او به شما خواهد گفت که خوبی

یک ساختمان به زیر بنا و پایه خوب و درست آن است. اگر پایه ضعیف باشد، خانه هم سست و ضعیف خواهد بود. خانه شخص نادان بدون پایه بود بنابراین او نمی توانست انتظار هم داشته باشد که در مقابل طوفان ها و سیلابهای زندگی بایستد.

مثالی دیگر از شخصی که قلبش استوار است در کتاب مرقس فصل ۵ آیات ۲۱ - ۴۳ یافت می شود. یایرس که رئیس کنیسه بود نزد عیسی آمد و از او خواست تا دختر کوچکش را شفا دهد. در آیه ۲۳، یایرس از روی انمانش جمله ای را به عیسی می گوید: به تو التماس می کنم. نفس دخترک من به آخر رسیده؛ بیا و بر او دست گزار تا شفا پیدا کند و زندگی نماید. یایرس در قلبش ایمان داشت که وقتی عیسی دستش را بر آن دختر کوچک گذارد، او شفا می یابد و زندگی خواهد کرد. او جمله اش را با ایمان گفت و مسیح با او همراه شد و به خانه او رفت. در میان راه زنی که خونریزی داشت توحه عیسی را به خود جلب کرد. او نیز با ایمان قدرت و توانائی عیسی را طلبید. عیسی ایستاده و با آن زن صحبت می کرد که در همان حال برای یایرس پیغام آوردند که دخترت فوت شده. چرا دیگر باعث زحمت استاد می شوی؟ توجه می کنید که یایرس جمله اش را با ایمان گفت و شیطان فوراً آمد تا کلام را بگیرد و بدزدد. فشار آغاز شد ولی آیا یایرس اعتراف ایمانش را عوض کرد؟ آیا او گفت، " من نمی فهمم چرا ایمان در این مورد برایم موثر نبود؟" این نکته بسیار مهمی است که تعداد بسیاری برکات خدا را در این مورد از دست می دهند. ما آنچه را باور داریم می گوئیم و دعا می کنیم، " پدر، در نام مسیح، من ایمان دارم و دریافت می کنم طبق مرقس فصل ۱۱ آیه ۲۴ و ایمان من می گوید اکنون آن مال من است. " بعد سختی ها و مشکلات زیادتر می شوند و سعی دارند که به ما ثابت کنند هیچ راهی برای دریافت آنچه که ما به آن ایمان داریم وجود ندارد. در این لحظا است که تو می توانی یا از کلام صحبت کنی و یا سکوت نمائی. زیرا که هر آنچه بگوئی اگر از کلام نباشد خنثی و بی اثر است.

از تجربه شخصی خودم بگویم، اوقاتی بوده که من اصلاً سخنی نگفتم و شریر گریخت به همان سرعتی که اگر من کلام خدا را عنوان می کردم، این موضوع برای یایرس اتفاق افتاد. او دهانش را اصلاً باز نکرد. توجه کنید به چیزی که عیسی در آیه ۳۶ گفت: عیسی به محض اینکه سخنی را که آنها به یایرس گفتند شنید، در ساعت به رئیس کنیسه گفت: مترس؛ ایمان داشته باش و بس.

عیسی داشت یایرس را تشویق می کرد که شبیه آن شخص در فصل ۱۱۲ شود که از کارهای شریر نمی ترسید بلکه بخدا اعتماد داشت و اراده خدا در زندگی او انجام شد. لحظه ای که عیسی گزارش منفی شریر را شنید، رو به یایرس کرد و گفت نترس؛ فقط ایمان داشته باش و بس. پس از صرف کردن مدتی وقت و تفکر روی این مطلب، من تقریباً می توانم حالت صورت یایرس را در نظرم مجسم کنم. او رئیس کنیسه بود و رهبران مذهبی در آن دوران نسبت به عیسی طرز فکر خوبی نداشتند، یایرس با رفتن خود به نزد عیسی موقعیت کاری خود را به خطر انداخت. او رهبران مذهبی را که در اطرافش بودند کاملاً نادیده گرفت و در حضور همه خودش را به پایهای عیسی انداخت. بعد از آنکه افراد با خبرهای بد نزد یایرس آمدند، شرایط طوری بنظر می رسید که گوئی شکست کامل اتفاق افتاده ولی خبرهای بد عیسی را دلواپس و نگران نکرد. او با شنیدن خبرهای بد نلرزید. شما توجه خواهید کرد که عیسی هرگز در زندگی اش روی زمین عجولانه عمل نکرد. شما هرگز جایی را نخواهید یافت که عیسی اعتراف منفی کند. او به یایرس رو نکرد که بگوید، " خوب، ما سعی خودمان را کردیم ولی بعضی از ما دریافت می کنیم و بعضی نمی کنیم. " نه اصلاً عیسی چنین نگفت. زمانی که او گزارش شیطان را شنید یایرس را تشویق کرد که نترس. در ترجمه دیگری می گوید، او به یایرس رو کرد و گفت، دهانت را باز نکن و فقط ایمان داشته باش من همه چیز را به عهده می گیرم. وقتی عیسی صحبتش را با آن زنی که خونریزی داشت به اتمام رسانید، با یایرس به طرف خانه اش همراه شد و مسیح کاری را کرد که یایرس باور انجام آن را داشت. در میان تمام این مشکلات، عیسی با اعتماد قدم پیش گذاشت، آن دختر را با دست گرفت و گفت، ای دختر به تو می گویم بلند شو. در تمام این مدت یایرس روی چیزی که ایمان داشت محکم ایستاده بود. قلبش در چیزی که ایمان داشت استوار بود.

آیا تو تأثیر قلب استوار را در زندگی یک ایماندار می بینی؟ دلیل اینکه بسیاری از مسیحیان از دریافت برکات خدا جا مانده اند، این است که نتوانسته اند کلام خدا را در قلب هایشان استوار نمایند. اگر تو طبق کلام خدا دعا کنی و

آموزش‌ها و تعلیمات را دنبال نمایی، نتیجه خواهی گرفت. پس اگر آن را از دست دهی دیگر مقصر خودت هستی و خدا تقصیری ندارد.

من از مطالعه کلام خدا معتقد شده‌ام که خدا از فرزندان ضعیف و ناتوان خود لذت نمی‌برد. آنها را بسیار دوست دارد و همیشه مراقب آنهاست ولی از آنها لذت نمی‌برد. یک مسیحی ضعیف و ناتوان شخصی است که از عهد خود با خدا بی‌اطلاع است. برای خدا جای شادی و خوشحالی نیست وقتی فرزندانش قدر موفقیت‌هایی را که خدا برایشان در مسیح فراهم آورده است را نمی‌دانند. اگر شخصی کلام خدا را در زندگی‌اش در درجه اول اهمیت قرار دهد و آن را برتر و والاتر از هر چیز دیگر بداند، کلام در قلب شخص تصویر عیسی مسیح خداوند را می‌آفریند که او می‌تواند انتظار دریافت نتیجه را در زندگی خود داشته باشد که مسیح وقتی بر روی زمین بود نزدیک به ۲۰۰۰ سال پیش.

شما می‌توانید از طریق انجیل بخوانید و ببینید که عیسی هرگز آن را از دست نداده! او هرگز ناموفق نبود. او هرگز حتی یک بار هم شکست نخورد. او هرگز به مرحله‌ای نرسید که با موفقیت‌هایی که خدا به او داده بود نتواند پیروزی یابد.

خوب؛ خدا را شکر. ایماندار با همان چیزهایی که عیسی در خدمتش بر روی زمین داشت مجهز است!

فصل دوم

هفت مکاشفه مهم که هر ایماندار باید آنها را بداند

در کلام خدا هفت مکاشفه اصلی و مهم وجود دارد که هر شخص ایماندار باید در آنها استوار باشد. وقتی تو در این موارد استوار شدی به مرحله ای می رسی که تحت هیچ شرایطی جنبش نخواهی خورد. تو همان طوری خواهی بود که عیسی در کتاب متی فصل ۲۴ می گوید، هر آنچه شیطان به طرف تو پرتاب کند آسیبی نخواهی خورد. پولس رسول در این مکاشفات استوار شده بود. مسیح خداوند شخصا این مکاشفات را بر او آشکار ساخته بود. پولس فهمید اقتدار ایماندار

این مکاشفات قسمت حیاتی و مهم زندگی او بود! بنابراین پولس توانست که در مقابل مرض ها، دردها، بی خانمانی ها و ارواح خبیث و شیطانی بایستد و حتی با جهنم نیز می توانست روبرو شود و بگوید، " من معتقد هستم هیچ کدام از این موارد نمی تواند مرا از محبت مسیح جدا سازد. " چون من ماوراء همه این چیزها هستم. این همه مکاشفه باید برای تو آنقدر حیاتی و مهم شود که تو به عنوان یک شخص ایماندار محکم و تأثیر ناپذیر بر خلاف چیزهایی که در دنیای اطراف اتفاق می افتد با قوت بایستی. این چیزی بود که مسیح دعا کرد وقتی گفت، پدر اراده تو آنچه در آسمان است بر زمین کرده شود. آسمان تحت تأثیر اتفاقاتی که روی زمین می افتد قرار نمی گیرد و عیسی اشاره ای داشت به این موضوع که ما باید قسمتی از آسمان را در جایی که هستیم تجربه کنیم و داشته باشیم. ما باید قادر باشیم طوری زندگی کنیم که گوئی بهشت روی زمین است. ما خوانده شده ایم که شرایط اطرافمان را با کلام خدای زنده تحت تأثیر قرار دهیم. اگر شرایط زندگی تو طبق کلام خدا نیست آن شرایط را طبق کلام خدا عوض کن!

با کلام خداوند که در قلبت استوار شده، تو همانند شخصی که در مزامیر فصل ۱۱۲ می گوید خواهی شد؛ دلت استوار خواهد شد؛ تو بر خدا توکل خواهی کرد و اصلاً با کارهای شیطان جنبش نخواهی خورد. لحظه ای که مشکلات و سختی ها به اوج خود می رسد، این مکاشفات که از کلام خدا است درون تو فعال خواهند شد و آنها از دهانت جاری می شوند. کلماتی که تو به آنها صحبت می کنی بر طبق کلام خداوند خواهد بود و مشکلات در نزد تو می گریزد. هیچ سلاحی در برابر تو پیروز نیست!

مکاشفه شماره ۱

حقیقت نجات

اولین مکاشفه این است که تو باید در حقیقت نجات در مسیح استوار شوی – به عنوان شخص ایماندار برای تو چه معنایی می دهد. کتاب عبرانیان فصل ۹ آیات ۱۴ – ۱۱ در مورد کاری که مسیح کرد برای بدست آوردن نجات ما از طریق خورش صحبت می کند. آیه ۱۲ می گوید با خون خود، یک مرتبه فقط به مکان اقدس داخل شد و فدیة ابدی را یافت.

سه حقیقت مهم وجود دارد در رابطه با کار نجات مسیح که هر شخص ایماندار باید آنها را بداند!

- ۱- نجات ما از پیش مهیا شده بود. (دریافت شده بود)
- ۲- نجات ما نجاتی است ابدی. اگر این نجات ابدی است، پس شیطان تا به ابد مغلوب و شکست خورده است! گناه و شیطان در هیچ زمینه ای خداوند تو باشد.
- ۳- نجات ما در حال حاضر مؤثر و کاری است. تو مجبور نیستی که صبر کنی و زمانی که وارد بهشت شدی از ثمره نجات لذت ببری. نجات تو در حال حاضر هم در دسترس است!

پولس رسول در کتاب افسسیان چیزهای بسیار مهمی در مورد نجات نوشت. کتاب افسسیان فصل ۱ آیات ۳ - ۹ . آیه ۷ می گوید، در وی به سبب خون او فدیة یعنی آمرزش گناهای را یافتیم. نجات ما یک حقیقت ثابت و تغییر ناپذیر است.

عیسی آخرین قربانی زیر عهد ابراهیم بود. او بره خدا بود که از طریق کاهن اعظم بر روی مذبح صلیب برای ما قربانی شده دیگر هرگز لازم نیست که انسانی خون گوساله و برها را بریزد به عنوان قربانی و فدیة گناهان جهت آمرزش از گناه!

وقتی خدای پدر او را پادشاه آسمان و زمین اعلام کرد و مسیح به زمین برگشت، تمام قدرت آسمان و زمین به من داده شده است. (کتاب متی فصل ۲۸ آیه ۱۸). او با قدرتش چه کرد؟ آیا او قدرتش را با خود به آسمان بُرد؟ خیر. او گفت: پس به همه امت ها بروید و در نام من این کارها را انجام دهید.... مسیح قدرتی را که به او داده شده بود به دست انسان ها سپارد. سپس او به آسمان صعود کرد و به دست راست خدای پدر جای گرفت. او در آنجا نشسته است، منتظر دشمنانش است که آنها را پایمال کند.

خدا به ما اقتداری را داده است که مسیح از شیطان آن را باز پس گرفت. حال وظیفه و مسئولیت ما است که شیطان را زیر پاهایمان نگه داریم. تو نباید به شیطان اجازه دهی که زندگی را اداره کند و همچنین نگذاری که شیطان خداوند امور مالی و زندگی شود. وقتی تو در نجات خود پایدار و محکم بشوی - نجاتی که مسیح با قیمت گرانبهائی برای تو فراهم کرد - تو اجازه نخواهی داد که شیطان بر تو غلبه کند در هر موردی!

بیانید با هم به کتاب غلاطیان فصل ۳ آیات ۱۳ ، ۱۴ ، نگاهی کنیم تا ببینیم نجات ما چه چیزهائی را در بر می گیرد. تو باید این آیه را قلبا باور داشته باشی. مسیح ما را از لعنت شریعت باز خرید کرد چونکه در راه ما لعنت شد: چنانکه مکتوب است، ملعون است هر که بر دار آویخته شود: تا برکت ابراهیم در مسیح عیسی بر امت ها آید تا وعده روح را بوسیله ایمان حاصل کنیم.

شما باز خرید شده اید از لعنت شریعت! کتاب تثنیه فصل ۲۸ آیه ۱۵ را بخوان و تو چیزهائی که در این لعنت شامل هستند را خواهی دید. هر نوع بیماری، مرض، مصیبت و تنگی که می تواند برای بشر وجود داشته باشد. حتی در آیه ۶۱ می گوید، و نیز همه مرض ها و همه بلائی که در طومار این شریعت مکتوب نیست آنها را خداوند بر تو مستولی خواهد گردانید تا هلاک شوی. این آیه همه چیز را دربر می گیرد از ریشه ناخن گرفته تا بیماری سل!

در کتاب غلاطیان فصل ۳ آیه ۲۹ می گوید، نجات ما چه چیزی را خریداری می کند. اما اگر شما از آن مسیح می باشید، هر آینه نسل ابراهیم و بر حسب وعده، وارث هستید. کتاب تثنیه فصل ۲۸ آیات ۱ - ۴ در مورد تمام برکاتی که به ابراهیم داده شد صحبت می کند. آنها را مطالعه کرده و در روحت استوار ساز. سپس ملاحظه می کنی که با خدا عهد و پیمانی داری که بوسیله خون عیسی مسیح امضاء شده است. مسیح ضامن این پیمان است و هم اکنون این برای شما مؤثر خواهد بود. تو حق قانونی داری که توسط خدا متبارک باشی. در کتاب تثنیه فصل ۲۸ آیه ۷ می گوید، خداوند هر آنچه را که بر آن دست گذاری برکت خواهد داد. اگر دشمنان تو از یک جهت مخالف تو آیند خداوند آنها را از هفت جهت فراری خواهد داد! خداوند گفت من تو را سر و رأس قرار می دهم نه دُم - که تو در بلندی قرار گیری و نه پستی!

چگونه حقیقت نجات در مسیح روی مسائلی که در اطرافت اتفاق می افتد در حال حاضر تأثیر می گذارد؟ زمانیکه تو در حقیقت نجات استوار و محکم شدی، تو به اقتدارت به عنوان شخصی ایماندار پی خواهی بُرد؛ تو درک خواهی کرد که مجبور نیستی در مقابل مانع هائی که شیطان در مسیر راهت قرار می دهد بایستی. در کتاب افسسیان فصل ۱ آیه ۲۲ می گوید که خدا همه چیز را زیر پاهای مسیح قرار داد. پاها کجا هستند؟ زیر بدن قرار دارند و شخص ایمان خود بدن را تشکیل می دهد. تمام قدرت در زیر پاهای مسیح قرار گرفته شده است. پس بنابراین تمام قدرت زیر پاهای تو نیز قرار گرفته است. تو به عنوان شخصی قدوس ارث و میراثی داری، نجات و اقتدار تو قسمتی از این میراث هستند.

تو باز خرید شده ای و کتاب مقدس می گوید، آنهایی که نجات یافته اند بگویند. با شهادت و جرأت بگو که نجات تو در زندگی ات چه معنایی دارد! مسیح قیمت گرانبھائی برایش پرداخت! من اصلاً نمی پذیرم که زیر مکرهای شیطان بروم و اجازه بدهم که او فکر کند می تواند بر من پیروزی یابد پس از کاری که مسیح برای آزادی و باز خرید کردن من در جلجتا کرد. پسر مرا آزاد ساخته است و من واقعا آزاد هستم! نجات تو هم اکنون موثر و کاری است. در آن جای گیر و محکم و استوار باش.

مکاشفه شماره ۲

حقیقت خلقتی تازه (تولدی نو)

پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقت تازه ای است؛ چیزهای کهنه درگذشت، اینک همه چیز تازه شده است و همه چیز از خدا که ما را بوسیله عیسی مسیح با خود مصالحه داد. (دوم قرنیتان فصل ۵ آیات ۱۷ - ۱۸). ما مخلوقات جدیدی هستیم. یونانی ها می گویند ما موجودات جدیدی هستیم که قبلاً وجود نداشتیم. این حقیقی است که اتفاق می افتد زمانی که تو عیسی مسیح را خداوندت قرار می دهی. دست از سر آن شخص پیر بردار او با مرگ صلیب مرد و شخصی جدید جایگزین آن شد یک شخص جدید به شباهت خدا آفریده شود.

مخلوق جدید به توانائی هائی که خداوند دارد دسترسی دارد. دوم پطرس فصل ۱ آیه ۴ می گوید که ما ساخته شده ایم که شریک طبیعت الهی گردیم. طبیعت الهی زندگی جاودانی و ابدی است، در توارى جدید حیات خدا در روح ما دیده شد. مسیح در کتاب یوحنا این چنین می گوید فصل ۱۰، آیه ۱۰، ... من آمدم تا ایشان حیات یابند و آن را زیادتیر حاصل کنند. حیات مسیح سرچشمه توانائی ما است. ما با این چیزهای و دنیوی محدودیم، ما با منابع طبیعی و انسانی محدود نیستیم. ما شریک طبیعت و ذات مقدس الهی هستیم. پس بنابراین ما به قدرت، حکمت، مسح الهی، توانائی، محبت و ایمانش دسترسی داریم. ذات الهی او تمام صفات خدا را در بر دارد و ما شریک تمام آن هستیم! وقتی این موضوع به عنوان حقیقی در روح تو قرار گیرد، آن وقت دیگر خودت را از دیدگاه انسانی و نفسانی نگاه نمی کنی. تو خود را چنین خواهی دید. افسسیان فصل ۲ آیه ۱۰ ما صنعت او هستیم، آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکو که خدا از قبل مهیا نمود تا در آنها سلوک نماییم. خداوند این طور به تو نگاه می کند. مکاشفه توارى نو در روح تو باعث میشود که این مسائل برایت به عنوان حقیقی درآید که طبق آن نیز عمل خواهی کرد.

امروزه تعداد بسیاری از مسیحیان برکات خداوند را از دست می دهند. خیلی ساده فقط بخاطر اینکه در تولد جدیدشان محکم و استوار نمی ایستند. از طریق ناآگاهی و بی اطلاعی آنها اجازه داده اند که چیزهائی را که قبلاً کرده بودند شیطان بر ایشان یادآوری کند. شیطان آنها را مجبور می کند که در محکومیت زندگی کنند و آن افراد فکر می کنند که خدا دوستشان ندارد. بدون نجات تولد جدید در روح، شیطان تو را در همان خلقت قدیمی ات نگاه می دارد و برکات خداوند را از تو می دزدد. انسانیت کهنه و قدیمی مرد و از بین رفته است. تولدی جدید حقیقت است! شما یک مخلوق جدید هستید آفریده شده در عیسی مسیح! زندگی جاوید و ابدی طبیعت الهی در تو شروع به کار کرده است و تو دیگر مجبور نیستی صبر کنی تا در بهشت از زندگی جاوید لذت ببری. حقیقت این است که تو در حال حاضر زندگی جاوید داری! این مال توست!

مکاشفه شماره ۳

حقیقت اینکه ما عادلان خدا هستیم

وقتی تو در عدالت با خداوند استوار شوی، یعنی در راه دست یابی به پیروزی هستی. عدالت و پارسائی چیزی نیست که فقط بعد از رفتن به بهشت بدست آوری. عدالت هم اکنون نیز در دسترس است. کلمه عدالت در زبان انگلیسی کلمه ای است بسیار قدیمی و اصیل که خیلی ساده به این معنی می باشد. با خدا در جای درست ایستادن. دوم قرنیتان فصل ۵ آیه ۲۱ می گوید: او را که گناه نکرد؛ در راه ما گناه ساخت تا در وی عادلان خدا شویم! تو عادل خداوند شمرده شدی!

رومیان فصل ۳ آیات ۲۱ تا ۲۷ در مورد عدالت صحبت می کند. آیه ۲۲ می گوید: عدالت خدا که بوسیله ایمان به عیسی مسیح است، به همه و کل آنانی که ایمان آوردند: زیرا که هیچ تفاوتی نیست... شاید یکی بگوید، " اما من

فکر کردم کتاب مقدس می گوید، هیچ شخص عادل نیست، حتی یک نفر هم نیست. " بله کتاب چنین می گوید، ولی منظورش عدالت انسانی است. عدالت انسانی مثل دستمال کثیفی است، ولی مسیح به ما عدالت خودش را داده است. این است داستان انجیل! مسیح برای گناهان ما گناه شد که ما بتوانیم با عدالت او عادل شمرده شویم.

تو در یک رابطه دوستی با خداوند این جهان هستی، و عدالت تو با خداوند به تو قدرت می دهد که در حضور خداوند قادر بایستی بدون اینکه احساس گناه، ترس، خواری و یا محکومیت کنی. تو به همان اندازه که مسیح حق دارد در حضور خدا قرار گیرد، حق داری در پیشگاه خداوند بایستی. مسیح این حق و حقوق را برای تو خریداری کرد، تو از عدالت او لذت می ببری! روی این حقایق تکیه کن و دیگر اینکه اجازه بده به عنوان حقیقتی در باطن انسانی ات شکل گیرد.

مکاشفه این حقیقت که عادلان خدا هستیم باعث می شود که دعاهایت بسیار صحیح و دقیق باشد. در انجیل اول پطرس فصل ۳ آیه ۱۲ می گوید از آنجا که چشمان خداوند بر عادلان است و گوشهای او به سوی دعای ایشان. در کتاب یعقوب فصل ۵ آیه ۱۶ می گوید دعای مرد عادل در عمل قوت بسیار دارد. در ترجمه دیگری می گوید دعای جدی مرد عادل در عمل قوت بسیاری را جاری می سازد. این کاری است که دعای یک شخص عادل انجام خواهد داد. پس دیگر فکرش را کن که دعاهای دو نفر چه تأثیری خواهد داشت؟ دعاهای ده نفر یا صد نفر چطور؟

در عدالتت با خدا محکم و استوار بایست و این طور قدرت در دعاهای تو مؤثر و کاری خواهد بود. هر زمانی که اتفاقات بد پیش می آید. تو می دانی که اگر در آن زمان دعا کنی، توجه خدا را جلب خواهی کرد. وقتی که قوت عدالت عملا در زندگی ات در کار است، تو هیچ وقت عجله نخواهی کرد و یا تردید و دو دلی نخواهی داشت. مسیح هیچ وقت در مدتی که روی زمین بود در شتاب و عجله نبود. او همیشه می دانست که در هر شرایطی اوضاع چگونه خواهد شد. چرا؟ چون او در عدالت پابرجا بود. در جای درستی با خدای پدر ایستاده بود. در مزامیر فصل ۳۷ آیه ۲۵ می گوید... مرد صالح را هرگز متروک ندیده ام و نه نسلش را که گدای نان شود. در خیلی موارد در کتاب مقدس تشریحی از این لغت استفاده می شود. ناسازگاری با عدالت شخصی که در عدالتش با خدا استوار و پابرجا است با کلام خدا ناسازگاری نمی کند. تا جایی که قدرت موت بر عدالتی که در خدا داری تکیه کن. خواهی دید که مسیح رسولان و کاهن اعظم تو را در این راه با قوتشان حمایت و پشتیبانی می کنند.

مکاشفه شماره ۴ حقیقت با خدا بودن

۳ رابطه بین انسان در کتاب مقدس آشکار می شود.

- ۱ . خدا برای ما
- ۲ . خدا با ما
- ۳ . خدا در ما

انسانهای عهد عتیق فقط تأثیر دو تا از این روابط را تجربه کرده بودند. خدا برای آنها و خدا با آنها. شما می توانید از طریق عهد عتیق ببینید که وقتی مردم از وجود این دو رابطه اطمینان و آرامش خاطر داشتند موفقیت آنها تضمین بود. دفعات بسیاری خداوند از طریق دهان پیامبرانش صحبت کرد و گفت: من خدای تو هستم. من با تو هستم و فراموش نمی کنم. اشعیا فصل ۴۱ آیه ۱۰ می گوید، نترس زیرا که من با تو هستم و مشوش نشو زیرا من خدای تو هستم! تو را تقویت خواهم کرد و البته تو را معاونت خواهم داد و تو را به دست راست عدالت خود دستگیری خواهم کرد.

وقتی تو راه می روی او نیز راه می رود. وقتی وقتی دستت را به طرف جلو می ببری، او نیز دستش را به طرف جلو می برد. جای تعجبی نیست که دست گذاری بر افراد در زندگی مسیحی بسیار حیاتی است! فقط یک لایه پوست بین تو و روح القدس وجود دارد. در این حقیقت که خدا در توست پابرجا و استوار باش و تو خواهی ترسید از اینکه روی مریضان دست گذاری کنی. تو انجام خواهی داد و انتظار انجام آن را نیز داشته باش که آنها سلامتی اشان را دریافت خواهند کرد. این قدرت تو نیست که شفا می آورد بلکه قدرتی بالاتر و بزرگتر است.

مکاشفه شماره ۵ حقیقت اقتدار در نام عیسی

در گذشته ما نسبت به نام عیسی بی توجهی کرده ایم. ما نامش را بدون توجه به فهم و درک واقعی قدرتی که با خود در برمی گیرد تکرار کرده ایم. فیلیپیان فصل ۲ آیات ۹ - ۱۱ می گوید: از این جهت خدا نیز او را بسیار سرافراز نمود و نامی را که بالای همه نام هاست را به او بخشید، تا به نام عیسی هر زانوئی از آنچه در آسمان و بر زمین و زیر زمین است خم گردد، و هر زبانی اقرار نماید که عیسی مسیح، خداوند است برای تمجید خدای پدر.

هیچ نامی در جهان چنین قدرتی در خودش ندارد که نام عیسی مسیح دارد! خدا در نام عیسی مسیح قدرت بخشید و سپس اختیار استفاده از آن نام را به بدن خود داد. ما هستیم تا نام عیسی مسیح را به دست گیریم و هر شرایطی را تحت تأثیر قرار دهیم. مرض ها؛ ترس ها و حتی شفا دادن! در یوحنا فصل ۱۶ آیه ۲۳ می گوید و آن روز چیزی از من سؤال نخواهید کرد. آمین آمین به شما می گویم که هر آنچه از پدر به اسم من طلب کنید، به شما عطا خواهد شد. نام عیسی مسیح توجه خداوند را از هر چیزی دیگر که بتوانی بگوئی سریع تر جلب می کند. ذات شیرانه شخص می تواند باعث رفتن به او به جهنم باشد؛ ولی فقط احتیاج است که نام عیسی را به آرامی صدا کند، تا زنجیر مرگ از او پاره شود! در نام مسیح قدرت است!

چگونه نام مسیح چنین قدرت و اقتدار بزرگی بدست آورده؟ عبرانیان فصل ۱ آیه ۱ - ۴ را با هم می خوانیم : خدا که در زمان سلف به اقسام متعدد و طریق های مختلف بوسیله انبیا به پدران ما تکلم نمود، در این ایام آخر به ما بوسیله پسر خود متکلم شد که او را وارث جمیع موجودات قرار داد و بوسیله او عالمها را آفرید که فروغ جلالش و خاتم جوهرش بوده و به کلمه قوت خود حامل همه موجودات بوده، چون طهارت گناهان را به اتمام رسانید، به دست راست کبریا در اعلی علین نشست و از فرشتگان افضل گردید، به مقدار آنکه اسمی بزرگتر از ایشان به میراث یافته بود.

قدرت در نام عیسی مسیح از طریق ارث به او رسید. مسیح نامش و قدرتش را بواسطه خدای پدر به ارث بُرد. به منظور بدست آوردن اینکه چقدر قدرت در نام عیسی نهفته است شما باید قدرت را در خداوند اندازه گیری کنید. در تخت پادشاهی خدا چقدر قدرت است؟ هیچ واحد اندازه گیری به اندازه کافی بلند نیست که بتوان با آن اندازه گرفت! تمام عمارات بهشت در حمایت و پشتیبانی نام مسیح است! این عالی است اما به همین جا ختم نمی شود. خدا نام عیسی مسیح را به بدن ایمانداران روی زمین داده است. ارث و میراث ما در مسیح شامل این است که ما حق استفاده از نام مسیح را داریم برای متوقف کردن شیطان. نیرو و قدرت های جهنمی، زیرا اطاعت نام عیسی مسیح هستند.

این اسم تمام قدرت ها و اقتدارها را در بر می گیرد - در آسمان و زمین و زیر زمین. همه چیز باید سر تسلیم فرود آورد در مقابل نام عیسی! به تو اقتدار استفاده از نام عیسی داده شده است و از نامش استفاده کن طوریکه متعلق به توست. آیا سبک و روش زندگی که الان داری را تغییر می داد اگر بطور ناگهانی اسم راکافلر (Rockefelle) را به ارث می بردی. اگر آقای راکافلر به طرف تو می آمد و قدرت و اقتدار استفاده از نامش را در هر جایی روی زمین به تو می داد، آیا موقعیت تو دنیا را تحت تأثیر می گذاشت و عوض می کرد؟ آیا روش زندگی کنونی ات را تأثیر می گذاشت؟ مسلماً که تأثیر می گذاشت. جلال بر خداوند؛ من می خواهم تو این را بدانی که روزی نخواهد رسید که نام آقای راکافلر بر نام پر قدرت مسیح برتری یابد و اسم مسیح بطور مجانا به من و تو داده شده است. حال خودت فکرش را بکن!

مکاشفه شماره ۶ حقیقت راستی کلام خدا

اگر تو انتظار داری در خداوند به بلوغ بررسی یک حقیقت مهم وجود دارد که باید در روح تو مستقر گردد و آن حقیقت این است: کلام خدا راستی و صداقت اوست و عهد خداوند است. کتاب مقدس تو فقط شامل کلام خدا نیست

– کلام خدا است. وقتی به عبارت کلام خدا فکر می‌کنی، آیا بطور اتوماتیک وار یک کتاب چرمی سیاه را مجسم نمی‌کنی؟ اگر این تصور را داری، پس باید مدت بیشتری را صرف کلام کنی. وقتی تو به سخن انسانی فکر می‌کنی، اتوماتیک وار به صداقت آن شخص فکر می‌کنی که آیا چیزهایی را که می‌گوید انجام می‌دهد؟ به همین صورت هم باید به کلام خدا فکر کرد.

کلام خدا تعهد اوست. او هر آنچه را که بگوید انجام می‌دهد و قول کلام و قول خود می‌ایستد. در ارمیا فصل ۱ آیه ۱۲ می‌گوید: خدا گفت: نیکو دیدی زیرا که من بر کلام خود دیده بانی می‌کنم تا آن را به انجام رسانم. ترجمه دیگری می‌گوید، من هشیار و فعال هستم و از کلامم نگهداری می‌کنم تا آن را به عمل رسانم. در اشعیا فصل ۵۵ آیه ۱۱ می‌گوید، همچنان کلام من که از دهانم صادر گردد خواهد بود. نزد من بی‌ثمر نخواهد برگشت بلکه آنچه را که خواستم بجا خواهد آورد و برای آنچه آن را فرستادم کامران خواهم گردید. بر طبق کتاب مرقس فصل ۱۶ آیه ۲۰ به آیاتی که همراه ایشان بود کلام را ثابت می‌گردانید. کلام خدا پیمان میان من و پدرم است. هر زمان او چیزی بگوید، من می‌دانم او با انجام کاری در عمل مرا حمایت و پشتیبانی خواهد کرد. بهترین راهی که ما از راستی خدا آگاه باشیم این است که راستی را در خود پرورش دهیم. تو باید آماده باشی که کلامت را با عملت حمایت و پشتیبانی نمایی. اگر می‌گویی در زمانی مشخص در مکان خاصی خواهی بود مطمئناً در همان زمان در آنجای مشخص شده حاضر باش. نسبت به قولهایی که می‌دهی حساس و هشیار باش.

خداوند در زندگی خود من به نکته ای بطور مخصوص اشاره کرد و آن نکته رفتارم با فرزندانم بود. مواقعی بود که دخترم کار اشتباهی می‌کرد و من تهدید می‌کردم که او را تنبیه خواهم کرد و زمانی که دوباره کار اشتباهش را تکرار می‌کرد من فقط او را دوباره به تنبیه کردن تهدید می‌کردم. این موضوع کم‌کم عادت اخلاقی من شده بود تا اینکه بلاخره روح خدا در درون من برخاست و روی اشتباه من دست گذاشت و نشانم داد که من باید به حرفی که می‌زنم عمل کنم. حال فرزندان من فهمیده اند که من روی حرفم نمی‌ایستم و هیچ وقت به حرفم عمل نمی‌کنم. من آنها را تهدید می‌کنم ولی هرگز ادامه نمی‌دهم و کاری در موردش نم‌کنم. در نتیجه آنها نسبت به تهدیدهای من بی‌توجه بودند و حرفهای مرا نادیده می‌گرفتند. وقتی درک این موضوع برایم واضح و روشن شد، پس از آن نسبت به حرفی که به آنها می‌زنم دقت بیشتری دارم تا روی حرفم بایستم.

در مورد خداوند هم شرایط دقیقاً همین‌طور است. تو باید درک کنی که خداوند کلامش را به ما داده و او نیز روی کلام و وعده هایش با عمل می‌ایستد وقتی این موضوع به عنوان حقیقتی در قلبت جا گیرد، آن وقت ایمان تو با قوت بیشتری توسعه خواهد یافت و تو از انجام کلام خدا ترسان نخواهی بود.

کلام خداوند پیمان و تعهدی است به من و تو. یک عهد خونی است میان خدای قادر و شخصی به نام عیسی مسیح. وقتی تو مسیح را به عنوان خداوندت می‌پذیری، پس از آن تو نیز در این عهد و پیمان شریک خواهی شد. هر چه به مسیح گفته شده است به همان اندازه هم برای من و تو نیکو است. اجازه بده تا حقیقت راستی خدا در روح تو استوار گردد و تو از اینکه طبق کلام خدا عمل کنی دیگر تردیدی نخواهی داشت. خدا کلامش را نگهداری می‌کند تا برای تو به انجام رسد.

مکاشفه شماره ۷ حقیقت ایمان الهی در شما

در افسسیان فصل ۲ آیه ۸ می‌گوید: زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، بوسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست. نجات را از طریق ایمان دریافت می‌کنی، ایمانی را که تو از آن بهره می‌گیری توسط خدا برای تو فراهم شده است. این هدیه خدا بود.

در کتاب رومیان فصل ۱۲ آیه ۳ می‌گوید: خدا بهره ایمان را به همه کس قسمت فرموده است. ایمان خدا درون توست، خداوند آن را درون تو قرار داده که بسیار کاری و مؤثر است.

یوحنا رسول با هدایت روح خدا در کتاب اول یوحنا این چنین نوشت. فصل ۵ آیات ۱ تا ۴: هر کس ایمان دارد که عیسی، مسیح است، از خدا مولود شده است؛ و هر که والد را محبت می نماید؛ مولود او را نیز محبت می نماید. از این می دانیم که فرزندان خدا را محبت می نمایم، چون خدا را محبت می نمائیم و احکام او را بجا می آوریم زیرا همین است محبت خدا که احکام او را نگه داریم و احکام او را گران نیست: زیرا آنچه از خدا مولود شده است، ایمان ماست. ایمان خداوند قادر در درون شماست. عیسی در کتاب مرقس فصل ۱۱ آیه ۲۲ می گوید: به خدا ایمان آورید. وقتی شما مسیح را خداوند زندگی تان قرار می دهید این ایمان الهی به شما عطا می شود. ما سابقاً در مطالعه این کتاب یاد گرفتیم که ما ساخته شده ایم که شریک طبیعت الهی خدا باشیم و طبیعت الهی خداوند ایمانش را هم شامل می شود. شما ایمان دارید، اما این ایمان باید توسعه یابد. این توسعه فقط با کلام خداوند انجام می پذیرد. ایمان آفریده شده است و از طریق کلام تغذیه می یابد. رومیان فصل ۱۰ آیه ۱۷ می گوید: ایمان از شنیدن است و شنیدن از کلام خدا. ایوب در این مورد چنین می گوید: از فرمان لب های وی برنگشتم و سخنان دهان او را زیاده ای رزق خود ذخیره کردم (ایوب فصل ۲۳ آیه ۱۲).

خدا را شکر! که این ایمان الهی در تو جاری است و مسیح گفت، همه چیز برای شخصی که به او ایمان دارد امکان پذیر است. آیا تو یک ایماندار هستی؟ پس همه چیز برای تو امکان پذیر است!

در هر یک از این هفت موضوع مکاشفه استوار و محکم باش. وقتی آنها در روحت تأثیر گذارند آن وقت قلب تو پابرجا و استوار خواهد شد و شما در هر شرایط بدی جنبش نخواهید خورد. هر زمانی که بحران و گرفتاری و فشار زندگی برایت افزایش یابد این مکاشفات به عنوان لیستی در خاطر من نقش می بندد. من شرایط و مشکلات را در نظر می گیرم و آن وقت مکاشفات را در موردش به کار می برم.

چگونه این شرایط روی من تأثیر می گذارد؟ من توسط خون آن بره باز خرید شده ام و گناهانم پاک شده است.

چگونه این شرایط روی من تأثیر می گذارد؟ من یک مخلوق جدید هستم، تولد یافته خداوند. من به توانایی های خداوند دسترسی دارم پس بنابراین من به حکمت او دست خواهم یافت و کارهایی خواهم کرد که اگر او بجای من با این مشکلات روبرو می شد انجام می داد.

چگونه این شرایط روی من تأثیر می گذارد؟
پس بنابراین چشمان خداوند بر من است و گوش های او برای شنیدن باز است.

چگونه این شرایط روی من تأثیر می گذارد؟ ایمان الهی خداوند در درون من است. عیسی گفت من می توانم به کوه فرمان دهم و کوه جابجا خواهد شد. پس بنابراین من به شرایط و موقعیت های سخت زندگی هم می توانم هم اکنون فرمان دهم البته در نام عیسی مسیح و فرمان دهم که سختی ها از من دور شوند.

چگونه این شرایط مرا تحت تأثیر می گذارد؟ من قدرت و اختیار استفاده از نام مسیح را دارم. پس بنابراین در نام مسیح شرایط باید در نزد من سر تسلیم فرود آورد.

چگونه این شرایط مرا تحت تأثیر می گذارد؟ من مکاشفه راستی کلام پدرم را دریافت کرده ام. وعده دهنده امین است و کلام او پوچ نیست. چیزی را که خدا می خواهد به انجام می رساند و جایی که او بفرستد به موفقیت می انجامد. به این خاطر من کلام خداوند را سخن می گویم و پدر من آن را پشتیبانی خواهد کرد.

چگونه این شرایط مرا تحت تأثیر می گذارد؟ خدا در من است و خداوند درون من بزرگتر است از آن قدرتی که در دنیا است. شیطان کاملاً مغلوب است!

زمانی که من به انتهای این لیست می رسم کاملاً آگاه و هشیار هستم بوسیله کاری که اقتدار کلام خدا می تواند انجام دهد. اقتدار کلام خدا شرایط و موقعیت های بد را شکست می دهد. اجازه دهید تا همه این حقایق از حالت کلمه بیرون آید و در روح شما حقیقتاً قرار گیرد و شما از هر موقعیتی پیروزی و برنده بیرون خواهید آمد. پیروزی در هر مرحله ای از زندگی.

فصل سوم قلبتان را استوار کنید از طریق تفکر در کلام خدا

این موضوع، خیلی مهم است که شما درک کنید احتیاج و نیازتان را نسبت به استوار کردن قلبتان در کلام خدا. اما مهم تر از آن این است که بدانیم چگونه در موردش اقدام کنیم. این خنده دار است برای من که به شما بگویم اهمیت استوار کردن قلبتان را در کلام خدا بدون اینکه دستور عمل چگونگی انجام آن را بدهم. مبلغ بسیار زیادی پول و انرژی صرف شده است برای یاد دادن به بشر که چگونه بدن خودشان را بنا کنند. پول و انرژی بیشتری صرف شده است برای توسعه دادن و بنا کردن مغز بشریت اما یک قسمت است که تقریباً کاملاً نادیده گرفته شده و آن استوار کردن، بنا کردن و تمرین کردن روح بشر است.

باید مهم ترین موضوع برای بشر این باشد که در مورد روح خودش تعلیم بگیرد و روح او بر جسم و افکارش برتری یابد.

این قصد و نیت خدا است برای بدن مسیح. شخص ایماندار امروزه باید طبق کلام خدا جسم و فکرش را فرمانروائی کند و اداره نماید.

یک راه و روشی در کلام خدا وجود دارد که قلب شما می تواند در کلام خدا استوار گردد. آن روش این است که در کلام تفکر نمائید. تفکر کردن در کلام خدا کلید داشتن یک قلب محکم و استوار است. خدا به یوشع گفت که در کلام تفکر نماید.

به کتاب یوشع نگاه کنیم در فصل ۱ آیه ۸ می گوید: این کتاب تورات از دهان تو دور نشود، بلکه روز و شب در آن تفکر کن تا بر حسب هر آنچه در آن مکتوب است متوجه شده، عمل نمائی. در ترجمه تفسیری می گوید... و سپس تو باید با حکمت رفتار نمائی و کامیاب شوی. در این آیه است فرمول خدا برای شکوفائی و موفقیت و با حکمت رفتار کردن در تمام ترس ها و نگرانی های زندگی در مورد کلام صحبت کنید؛ تفکر نمائید و طبق آن عمل نمائید.

تفکر کردن در کلام خدا باعث می شود کلام خدا در درون شما باقی بماند. باعث می شود که قلب شما پابرجا و استوار گردد. در نتیجه شما تحت هیچ شرایط و موقعیتی در اطرافتان جنبش و لغزش نخواهید خورد. بیائید با هم به کتاب مزامیر فصل ۱ آیات ۱ تا ۳ نگاهی بیندازیم. خوش بحال کسی که به مشورت شیران نرود و به راه گناهکاران نایستد، و در مجلس استهزاکنندگان ننشیند، بلکه رغبت او در شریعت خداوند است و روز و شب در شریعت خداوند است و روز و شب در شریعت تفکر می کند. پس مثل درختی کاشته شده نزد نهادهای آب خواهد بود. این شخص در کلام خدا شادمانی می کند و او روز و شب در آن تفکر می نماید. در نتیجه او در هر شرایطی پر ثمر است و او رونق می بخشد در هر آنچه او نیز دستی داشته و کاری انجام داده کلید موفقیت روز و شب در کلام خدا تفکر کردن است.

تفکر کردن بیشتر است از فقط خواندن کلام. تفکر کردن در کلام خدا معنی اش این است که افکارت را طبق کلام خدا تطبیق ده و روز و شب به کلام خدا در فکرت توجه داشته باش. شما می توانید در کلام خدا تفکر نمائید حتی زمانیکه در ماشین در حال رانندگی هستید، خرید خانه می کنید، ظرف می شویید و یا زمانیکه بر سر میز شام هستید.

من در کلام مرتباً تفکر می کنم. خیلی وقت ها زمانیکه از یک جلسه به جلسه دیگری می روم تمرکز می کنم روی آیه خاصی و می گذاریم این آیات مرتباً در فکرم تکرار و تکرار شود. با این کارم آن آیات از سر من خارج می شود و به قلبم وارد می گردد و در آن جای می گیرد. سپس روح القدس در درونم تصویری می کشد و آن وقت من شروع می کنم که خودم را روز و شب در کلام خدا ببینم.

چند مسئله وجود دارد در مورد تمرین کردن به تفکر در کلام خدا که شما باید آن ها را بدانید. به عنوان مثال برای شما، من می خواهم توصیف کنم در مورد تفکر کردن در کلام خدا در زندگی خودم. اولین کاری که می کنم دعا در روح است. در کتاب انجیل می گوید وقتی شما دعا می کنید به زبان های ناشناس، فکر شما ثمره ای ندارد.

هدف من این است که فکرم را از کار ببندازم و آن را بی اثر کنم. من در روح دعا می کنم تا فکرم مسدود گردد بعد من قادر خواهم بود تا صدای روح خدا را بشنوم.

اجازه دهید مطلبی را اینجا اشاره کنم. این مشکل است که آدم تلویزیون ببیند برای ۲ ساعت و بعد بلافاصله انتظار داشته باشد که در کلام خدا هم تفکر نماید. شما نمی توانید بدون هیچ آمادگی انتظار داشته باشید که دگرگونی پر تأثیری در شما انجام گیرد. زمانیکه من افکارم را خلوت و ساکت کردم، شروع می کنم آیاتی را مکررا خواندن و سعی می کنم تفکر نمایم. من آیات را آنقدر تکرار و تکرار و تکرار می کنم تا از آنچه می گوید در فکرم تصویری نقش گیرد. بعد کتابم را کنار می گذارم و شروع می کنم کلام را در خود جای دهم. اگر برای داشتن تصویری واضح در ذهنم دچار مشکل شوم بر میگردم و دوباره آن آیات را می خوانم. بعد از اینکه مدت زمانی را به این صورت گذراندم آن تصویر در ذهنم کاملا زنده می شود. آن آیات با این کار آنقدر برای شما واقعی خواهند شد که هرگز آنها را فراموش نخواهی کرد. در حقیقت آنها جزوی از وجود شما خواهند شد. در همان زمانی که روح القدس در روح تصویری را نقاشی می کند، من ساکت می نشینم و اجازه می دهم که آن کلام مرا جذب کند. بعد من مخصوصا به صدای روح خدا گوش می دهم.

در فیلیپیان فصل ۴ آیه ۱۹. من روی آیات آنقدر تفکر می نمایم تا آنها پاره ای از وجودم شوند. در آن لحظه در زندگی ام من احتیاج داشتم که بدانم خداوند احتیاجات مرا برآورده می کند بر طبق دولت خود در جلال در عیسی مسیح. حقیقت این آیه امروز در قلب من است و شما هرگز نمی توانید مرا متقاعد کنید که خداوند احتیاجات مرا رفع نخواهد کرد. وقتی احتیاجات مالی زیاد می شوند، من از تسلیم شدن در برابرشان دوری می کنم. من اجازه نمی دهم که روی ایمان من تأثیری گذارد، چرا که قلب من پابرجا و محکم است. فیلیپیان ۴ آیه ۱۹. حقیقتی در درون من است که مرا لغزش نخواهد داد. یکی از اولین چیزهایی که مخصوصا یاد گرفتم از تفکر در کلام خدا در عبرانیان پیدا می شود فصل ۴ آیات ۱۲ تا ۱۶. آیاتی هستند که من تمرین می کردم آنها در من جای گیرند. در آن زمان من در احتیاج بسیار شدید مالی بودم. قرض هائی که داشتم مرتبا افزایش پیدا می کردند قبل از اینکه من پس اندازی کنم. اما من اعتقاد داشتم که خداوند احتیاجات مرا رفع خواهد نمود و من را از آن شرایط بیرون خواهد آورد. در زمانیکه من دعا می کردم و ایمان داشتم به کمکهای مالی خداوند شروع کردم به تفکر کردن در مورد آیات.

ما کاهن اعظم نیکوئی داریم، عیسی مسیح کسی که در دست راست خدا نشسته است - یک کاهن اعظمی که رنجوری و احتیاجات ما را لمس کرده است. به عبارت دیگر، او می داند شما در چه وضعیتی قرار دارید و احتیاجات شما را کاملا می داند. شما در زندگی تان هرگز با چیزی مواجه نخواهید شد که عیسی مسیح قبلا آن را تجربه نکرده باشد. او می داند که زیر فشار بودن چگونه است و او به ما توانائی اش را داده است که بر شرایط سخت غلبه کنیم و فشار را برداریم و پیروزی یابیم.

در همان موقعی که در حال تفکر روی آیات بودم روح مقدس شروع کرد به نقاشی کردن تصویری در روحم. من خودم را دیدم که داشتم به طرف تخت پادشاهی خداوند بالا می رفتم نزد عیسی مسیح که در دست راست پدر نشسته است. من نزد آنها ایستادم و نگاهشان کردم. من هرگز فراموش نخواهم کرد شوقی را که در چشمان مسیح بود. او می خواست احتیاجات مرا رفع کند. وقتی من صحبت می کردم، جرأت و نیرویی در من بود؛ هیچ ترسی احساس نمی کردم چون به آنجا متعلق بودم. من گفتم " پدر در نام عیسی مسیح، کتاب مرقس فصل ۱۱ آیه ۲۴، می گوید که هر آنچه در عبادت بخواهید، یقین داشته باشید که آن را یافته اید و به شما عطا خواهد شد. " من لحظه ای مکث کردم و وقتی کسی صحبت نمی کرد ادامه دادم، " پدر، مسیح گفت در این روز از او چیزی نخواهد پرسید، اما هر آنچه از تو در نام او بخواهم تو به من خواهی داد. پدر، من ایمان دارم فیلیپیان فصل ۴ آیه ۱۹ که تو احتیاجات مرا بر حسب دولت خود در جلال در مسیح رفع خواهی نمود. " سپس من عقب ایستادم و نگاهشان کردم. من هرگز فراموش نم کنم کاری که مسیح کرد. او به طرف پدر خم شد و با آرنج دستش به او زد آرام در گوشش گفت " به او بده " خدا را شکر! من فهمیدم که نگرانی های من پایان پذیرفت، من فهمیدم که آزادانه به تخت پادشاهی خداوند زنده دسترسی دارم. هر آنچه که من آنگاه تصور کرده بودم کاملا الهی بوده. کلام خدا در عبرانیان فصل ۷ آیه ۲۵ می گوید، از این جهت نیز قادر است که آنانی را که بوسیله وی نزد خدا آیند، نجات بی نهایت بخشد، چونکه دانما زنده است تا شفاعت ایشان را بکند.

هر وقت احتیاج مالی زیاد می شود، من دیگر نمی لرزم. من قلبم استوار شده است چون در کلام خدا وقت صرف کردم و در این زمینه تفکر و مطالعه کردم. موقعیت های فراوان بسیاری وجود دارد برای لغزش دادن ما. اما من از پذیرفتن آنها خودداری می کنم. من نزد تخت پادشاهی می روم و با پدرم و مسیح خداوند صحبت کوتاهی می کنم.

فصل چهارم به کلام محکم تکیه کردن

قلب استوار به کلام خدا اعتماد می کند. با شواهد ضد و نقیض لغزش نمی خورد. فقط با آنچه که باور دارد حرکت می کند به کلام خداوند ایمان دارد. وقتی شرایط بر خلاف کلام خدا هستند، وقتی عقل و شعور انسانی بر خلاف کلام است، قلب استوار همیشه بر کلام خدا تکیه می کند و از اینکه با مشکلی برخورد کند، دوری نمی کند.

ما در مورد اهمیت تفکر در کلام خداوند مطالعه کردیم. حال می خواهیم که همه ما توجهمان را جلب کنیم به لازمه بودن شخصی که کلام خدا را عمل کند. به عبارت دیگر کننده کلام خدا باشیم. خدا به یوشع گفت که روز و شب در کلام تفکر نمایند تا او بتواند طبق هر آنچه نوشته شده است عمل کند از طریق تفکر در کلام است که ما عمل کننده کلام خدا می شویم. در کتاب یعقوب فصل ۱ آیه ۲۵ می گوید: کننده عمل در عمل خود برکت خواهد یافت. اولین فصل یعقوب در مورد شنیدن کلام خدا به ما یادآوری می کند به انجام آن. می گوید: چنین شخصی خودش را گول زده است. اگر تو انجام کلام خدا را رد کنی، پس تو واقعا به کلام ایمان نداری. اگر تو به کلام یک انسان ایمان داری و آن را باور می کنی، تو طبق همان نیز عمل می کنی. ایمان در عمل است.

اجازه دهید با هم به یک نمونه از خدمت مسیح نگاهی بیندازیم. در کتاب لوقا فصل ۱۷ آیات ۱۲ تا ۱۹ ما می بینیم ده نفر شخص جذامی که از مسیح خواستند تا آنها را پاک کند. آیه ۱۲ می گوید: که آنها به استقبال او آمدند. بر طبق قانون، این کارشان قانون شکنی بود چون شخص جذامی وارد شهر شده بود و طبق قانون آنها می توانستند سنگ سار شوند. همانطور که آنها به استقبال می رفتند، مسیح را صدا کردند و گفتند، عیسی ای آقا، به ما رحم کن. عیسی جوابی به آنها داد که در حالت عادی و طبیعی غیر ممکن به نظر می رسید. او گفت: بروید و خود را به کاهن نشان دهید. اگر آنها با جذام به معبد می رفتند سنگ سار می شدند. من می خواهم شما درک کنید کاری را که عیسی داشت انجام می داد. طبق قانون، برای پاکسازی جذامی ها شرایط و تدارکاتی وجود داشت. وقتی پاک می شدند آن وقت طبق قانون اجازه داشتند که وارد معبد شده و نزد کاهن بروند و بعد کاهن پاکی آنها را اعلام کند و آنها آزاد شوند و دوباره به شهر برگردند. مسیح قانون را می دانست و او داشت در مورد نتیجه آخر با آن اشخاص جذامی صحبت می کرد. مسیح آنها را کاملا شفا یافته و پاک دید به همین دلیل هم به آنها گفت طبق آن عمل کنید. اگر آنها فقط کلام را می شنیدند، باید در جواب حرف مسیح می گفتند، " اما عیسی، تو انگار متوجه نیستی، ما نمی توانیم نزد کاهن رویم. ما جذام داریم!" اما بنظر می رسد این جذامی ها هیچ بحث و گفتگویی با عیسی نکردند، آنها به کلامش ایمان داشتند و طبق ایمانشان بر گفته مسیح عمل کردند. کلام می گوید، همان زمان که رفتند، پاک شدند. (هلولیا!)

این ده جذامی با صداقت و یکپارچگی و قدرت کلام عیسی جواب دادند. آنها به اندازه ای به این مسئله ایمان داشتند که بدون هیچ پرسش و سئوالی باید طبق کلام عمل کنند. آنان طبق کلام بدون هیچ شک و تردیدی عمل کردند. یعقوب نوشت که ایمان بدون عمل باطل است. (یعقوب فصل ۲ آیه ۲۰). اگر تو واقعا ایمان داری، عمل خواهی کرد. وقتی تو عمارت را مطابق آنچه ایمانت است کنی، همانطور که در یعقوب گفته شد، ایمانت کامل خواهد گردید.

وقتی تو برای تفکر در کلام خدا وقت صرف کنی و طبق آنچه کلام می گوید نیز عمل کنی، زمانی فرا خواهد رسید که تو باید به کلام اعتماد کنی و به آن محکم تکیه نمایی (کلام تکیه گاه تو باشد)، خیلی اوقات ما از دریافت برکات خدا محروم می مانیم فقط برای اینکه خیلی ساده و سریع از روی آن می گذریم. شاید شرایط اوضاع را طوری درست کند که گویی هیچ راهی وجود ندارد برای پیروزی بر یک مسئله؛ اما شفا نباید اجازه دهید که کلام

نادیده گرفته شود. در مورد کلام خدا صحبت کنید. روی اعتراف ایمانتان محکم بایستید. بیایید اعتراف ایمانمان را محکم حفظ کنیم زیرا که وعده دهنده امین است. در کتاب عبرانیان فصل ۱۰ آیه ۳۵ - ۳۶. پس ترک نکنید دلیری خود را که مقرون به مجازات عظیم می باشد. زیرا که شما را صبر لازم است تا اراده خدا را بجا آورده، وعده را بیابید.

اعتماد و توکل به کلام خدا تقریباً همان صبر داشتن است. صبر به معنی تغییر نیافتن، ثابت بودن، پابرجا و استوار بودن. هرگز تحت تأثیر تغییر نپذیرید. وقتی شما در حال تمرین کردن صبر هستید، بدون اینکه به شرایط موجود دقت کنید. صحبت خواهید کرد و طبق آن نیز عمل خواهید نمود.

دلیری خود را ترک نکنید. ایمانت را ترک نکن فقط بخاطر اینکه در این شرایط ایمانت به تو کمکی نکرده است. روی اعتراف ایمانت محکم بایست و روی کلام خدا نیز باید ایستاد.

کتاب یعقوب فصل ۱ آیات ۲ تا ۴ می گوید، ... وقتی که در تجربه های گوناگون مبتلا شوید، کمال خوشی دانید؛ چونکه می دانید که امتحان ایمان شما صبر را پیدا می کند. ولی صبر را عمل تام خود باشد تا کامل و تمام شوید و محتاج هیچ چیز نباشید. فرضاً شما به خداوند ایمان دارید که در مورد مسئله ای خاص جواب شما را می دهد. بر طبق حواس پنجگانه شما تمام شواهد نشان می دهد که شما جوابتان را در یافت نخواهید کرد. در نهایت شما به نقطه ای می رسید که دیگر آماده هستید ایمانتان را از دست دهید و آن را به عنوان اتفاقی بد به حساب آورید. این کار را نکنید.

ایمانت را از دست نده. بر روی اعتراف ایمانت بایست و شک و دودلی به خودت راه نده. تو می بینی، وقتی به نظر می رسد که هیچ اتفاقی نمی افتد، ایمان شما در حال امتحان است. در یعقوب فصل ۱ آیه ۳ می گوید، امتحان ایمان شما صبر را پیدا می کند. به عبارت دیگر، وقتی ایمان شما در حال امتحان است، قدرت صبر را به مرحله عمل و اجرای می گذارد. ایمان و صبر دست در دست هم کار می کنند آنها همیشه با هم کار می کنند.

صبر یک نیرو و قدرت روحانی است که ایمان تو را پشتیبانی و حمایت می کند، بنابراین وقتی ایمان شما امتحان شد، قدرت صبر ایمان شما را به حرکت در می آورد. پس به جای اینکه ایمانتان را از دست دهید و بر خلاف آنچه کلام خدا می گویند، شما قوت خواهید یافت و قوی تر می شوید بوسیله نیروی صبر بنابراین شما ثابت و محکم می مانید.

کلام خدا را در درجه اول اهمیت قرار دادن

در مزامیر فصل ۱۱۲ تصویری خدای شخص ایماندار. قلب استوار، استوار و محکم می گردد در نتیجه قرار دادن کلام خدا در درجه اول اهمیت و اجازه دهیم کلام نسبت به چیزهای دیگر برتری داشته باشد. زمانیکه ما از کلام خداوند پر و لبریز شویم و اجازه دهیم کلام در قلب های ما استوار گردد، پس از آن تصویر ما و خدا یکی خواهد شد. ما شروع می کنیم خودمان را دیدن همانطوری که خدا ما را می بیند.

چون او به آن ایمان دارد، او با هر آنچه که ببیند و یا قبلاً در مدت ۲۰۰۰ سال پیش دیده است لغزش نم خورد. او ما را از طریق کار نجات در جلجتا می بیند. او ما را از طریق خون مسیح می بیند. من معتقد هستم که خدای پدر ما را به عنوان انسان هائی می بیند با قلب های استوار و محکم مان که غیر قابل لغزش است. حال وقت آن است که بدن مسیح با آن تصویر یکی شود. وقت آن رسیده که مسیحیان شیر روحانی را کنار گذاشته و گوشت مقوی که کلام خدا است را دریافت کنند. در این روز و زمان شما نمی توانیم کلام خداوند را در درجه اول اهمیت قرار ندهیم. چیزهائی که در این روزها اتفاق می افتد.

این مسئولیت ما است به عنوان شخص ایمان دار که آنقدر در کلام خدا استوار و محکم بایستیم که هیچ چیز ما را نلرزاند. و ما با جرأت بایستیم در مقابل هر شرایطی و اعتراف کنیم بدون هیچ شک و تردیدی، ما از یک فتح کننده هم بیشتر عمل می کنیم!

وقتی در کلام خدا استوار شوی، تو برای شیطان فرد بسیار خطرناکی می‌گردد. از طریق کلام، تو می‌توانی کاملاً کارهای او را در زندگی خود در خانواده، محل کار، شهر و ملیت و حتی در جهان متوقف سازی! شخصی که از کلام خدا پر است یک وسیله نقلیه ای است که قدرت خدای بلند مرتبه را دارد. قدرت آفرینش گر در کلامش است. پس جای تعجبی نیست که شیطان آنقدر سخت تلاش می‌کند تا کلام را از قلب شما بیرون آورد. شما باید آماده دفاع باشید و اجازه ندهید به او که در تلاشش موفق شود و کلام را بدزدد. یعقوب نوشت در مقابل شیطان ایستادگی کن و او از تو فرار خواهد کرد.

عیسی نمونه ای بود برای ما که چگونه در مقابل شیطان ایستادگی کنیم. او کلام خدا را گرفت و گفت، نوشته شده است که ... عیسی داشت با شیطان می‌جنگید با شمشیر دولبه روح - کلام خدا. وقتی شیطان آمد که کلام را از تو بدزدد، کلام را بگیر و ایستادگی و مقاومت کن با آن. او از تو فرار می‌کند! یک تصمیم خوب بگیر برای استوار شدن در کلام خدا برای قوی شدن در قدرت خداوند. لحظه ای که تو این تصمیم را می‌گیری، شیطان و قدرت های جهنمی هیچ کاری برای متوقف کردن تو نمی‌توانند کنند!